

بررسی مقایسه‌ای "امر به قتال در قرآن" با "پدیده تروریسم"

دکتر مریم حاجی عبدالباقی^۱

فاطمه جمشیدی^۲

چکیده:

معنای قتال در آیاتی که خداوند به آن امر کرده، کشتن و از میان برداشتن دشمنانی است که به مسلمانان حمله کرده و آنان را مورد ستم قرار داده اند که این امر، جنبه دفاعی داشته و با توجه به شرایطی در نظر گرفته شده است، اما تروریسم یک پدیده ناشایست و خشونت آمیز است که با اهداف شومی مانند سلطه گری، ایجاد رعب و وحشت و کسب قدرت و... همراه بوده و این پدیده از نظر اسلام سخت محکوم شده است. دشمنان اسلام برای توجیه اعمال ضد انسانی خود، به آیات جهاد و قتال در قرآن کریم تمسک جسته اند، این نوشتار در صدد آن است تا با روش توصیفی تطبیقی یک بررسی کلی در مورد پدیده تروریسم و مبانی اعتقادی و رفتاری آن و قتال و شرایط آن در قرآن، با محوریت آیات ۱۹۰ تا ۱۹۲ سوره بقره و ۳۹ سوره حج انجام داده، افتراقات و اشتراکات این دو امر را به قالب الفاظ در آورده و پاسخ مناسبی به این سوال اصلی بدهد که "امر به قتال در قرآن چه تفاوتی با پدیده تروریسم دارد؟" که در پاسخ، افتراقاتی مانند تفاوت در معنا و مفهوم، نوع اقدام، تفاوت در هدف و فرق های مهم دیگری آشکار شود.

واژگان کلیدی: قرآن، قتال، دفاع مشروع، ترور، افتراقات

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

^۲ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث

طرح مساله:

اسلام دین صلح و امنیت است و همیشه انسان ها را به صلح و صبوری و آرامش دعوت می کند. اما دشمنان اسلام به سبب کینه توزی شان نسبت به دین اسلام و برای رسیدن به اهداف شوم و ضد اسلامی شان بعضی از آیات را دستاویز خود قرار داده اند و با ارائه مفهومی نادرست از آن سعی کرده اند تا اسلام را دینی خشونت آمیز جلوه دهند و این دین مبین را دین ترور و خونریزی معرفی کنند. در میان آیات قرآن کریم آیاتی وجود دارد که در آن فرمان به قتال داده شده است اما این امر با توجه به شرایطی صادر شده است که مفسران و صاحب نظران در مورد این شرایط و چگونگی امر به قتال بحث کرده اند، اما اسلام ستیزان این شرایط را نادیده گرفته و امر به قتال را به نام ترور توصیف کرده اند، در حالی که تروریسم پدیده ای است که هیچ واژه ی مترادفی در قرآن ندارد و خداوند متعال نه تنها در آیاتی از کتاب عظیم الشان خود [مائده/۳۲؛ انعام/۱۵۱] این امر را شدیداً محکوم کرده است. گرچه ممکن است بعضی از واژه ها مانند ارباب، محاربه، فتک، اغتیال، بغی و یا کلماتی مانند این ها در ادبیات اسلامی شباهت اندکی با واژه ترور داشته باشد، اما معنای این لغات با ترور یکی نیست و در چارچوب تروریسم نمی گنجد. در آیات الهی هر جا صحبت از جنگ و قتال به میان آمده، جنبه دفاعی داشته و برای حفظ ارزش های اسلام بوده است. تاکنون در مورد قتال و جهاد در قرآن بحث های زیادی شده است و از سوی دیگر به بحث ترور نیز فراوان پرداخته شده است، اما پرداختن به تفاوت این دو مبحث و تبیین حد و مرز هر یک ضروری به نظر می رسد. دامنه این پژوهش به مبانی و مفاهیم کلی قتال و ترور و تروریسم محدود می شود. فرضیه آن نیز، تفاوت بارز قتال و ناهمخوانی این امر با ترور است.

معنای لغوی قتال:

کلمه ی قتال مصدر باب مفاعله، از ریشه ی (ق ت ل) به معنای ازاله روح است که معنای اصلی آن را کشتن به واسطه ضرب و جرح [فراهیدی، ۱۲۷/۵] زائل کردن روح از جسد [راغب اصفهانی، ۶۵۵]، و گروهی نیز قتال را به معنای جنگیدن با همدیگر و کشتن همدیگر و گاهی هم به معنای لعن و یا خبر از لعن دانسته اند. [قرشی، قاموس قرآن، ۲۳۱/۵] مانند آیه " **قتل الانسان ما اکفره**" [عبس، ۱۷] عده ای هم اصل و معنای جامع در لفظ قتل را مقابل حیات و به معنای زوال حیات و مرتبه موت را بعد از حصول قتل می دانند، زیرا قتل عملی است که موت به سبب آن تحقق می یابد [مصطفوی، ۱۹۳/۹].

با توجه به معانی بیان شده از واژه قتال، آن چه پیرامون این بحث مطرح می شود، قتال به معنای جنگیدن با همدیگر و کشتن همدیگر است، زیرا موضوع این پژوهش، بررسی قتال در آیاتی است که خداوند متعال در آن آیات امر به قتال و جهاد کرده است.

قتال در قرآن کریم:

۴۵ آیه از آیات نورانی قرآن کریم به موضوع قتال پرداخته است که معنای قتال در آیات جهاد، جنگیدن، کشتن و از میان برداشتن دشمنانی است که شروع کننده جنگ با مسلمانان بوده اند، از میان این آیات می توان به موارد زیر اشاره کرد: " **وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ** * **وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ** " (و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند بجنگید ولی از اندازه درنگدرید زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی دارد. و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید [چرا که] فتنه [=شرك] از قتل بدتر است [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ مکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است.) [بقره، ۱۹۰-۱۹۱]

"لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا * مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تَقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا" (اگر منافقین و آنها که در دل‌هایشان بیماری است، و (همچنین) آنها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود بردارند تو را بر ضد آنان می‌شورانیم سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند. از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد.) [احزاب ۶۰-۶۱]

"وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ" (و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد پس اگر [از کفر] بازایستند قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست.) [انفال/۳۹]

"اذنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِمُ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ" (به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست.) [حج/۳۹]

و ...

شرایط قتال در قرآن:

در میان آیات قرآن، آیاتی وجود دارد که در آن امر به قتال شده است و به خاطر همین، مورد سوء استفاده دشمنان اسلام قرار گرفته است، زیرا آنان به دنبال اثبات این ادعا هستند که اسلام را دین خشونت و قتل و خونریزی جلوه دهند. غیر مسلمان‌ها، مخصوصاً مسیحیان، چه آنها که پیرو دینی از ادیان قدیم هستند و چه آنها که مرامشان اسما دین یا مذهب است و در واقع یک باند سیاسی هستند، گاهی به اسلام عیب می‌گیرند که اسلام دستور جهاد داده است، در دین نباید جهاد باشد، دین فقط باید مردم را دعوت کند، هر کس پذیرفت، پذیرفت و هر کس نپذیرفت، نپذیرفت. [مطهری/۵۶] دستگاه تبلیغاتی غربی‌ها همیشه بر این ادعا تاکید می‌کند که اسلام دین خشونت و قتل و خون‌ریزی است و برای اثبات این ادعا به آیات جهاد و قتال و رفتار بعضی از مسلمانان (مانند القاعده و دیگران) استناد می‌کنند. اما این در حالی است که در اسلام جان انسان‌ها ارزش زیادی دارد چرا که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: "مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا؛ هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فسادی در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است" [مائده/۳۲] و دستور قتال در قرآن نیز با توجه به مبانی و شرایطی صادر

شده است. برای توضیح این شرایط در میان آیات قتال، آیات ۱۹۰ تا ۱۹۲ سوره بقره و آیه ۳۹ سوره حج محور بحث قرار گرفته است تا شرایط قتال در این آیات مورد بررسی قرار گیرد. خداوند متعال در آیات ۱۹۰ تا ۱۹۲ سوره بقره می فرماید:

"وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ * فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ *"

در آیه ی ۱۹۰ خداوند متعال می فرماید: **"وقاتلوا فی سبیل الله..."** که این آیه حد و مرز جهاد اسلامی را روشن کرده و در عین حال جواب قاطعی است به آنان که به جهاد اسلامی حمله کرده و اسلام را دین جنگ می دانند. [قرشی، ۱/ ۳۵۳] اولین شرط قتال در این آیه، همان در راه خدا بودن و برای پیشرفت و گسترش دین اسلام است نه به خاطر انتقام جویی یا جاه طلبی و کشور گشایی، که با قید "فی سبیل الله" مشخص شده است که این قید، بیان غرض جنگ است. [طباطبایی، ۲/ ۸۷؛ طبرسی، ۲/ ۲۳۱؛ حسینی همدانی، ۲/ ۱۴۵؛ مکارم شیرازی، ۲/ ۱۸؛ قرائتی، ۱/ ۳۰۳، تفسیر هدایت، ۱/ ۳۲۳] شرط بعدی در این آیه که با "یقاتلونکم" مشخص می شود، این است که دشمن آغاز کننده جنگ باشد. [طباطبایی، ۲/ ۸۷؛ نجفی خمینی، ۱، قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ۱/ ۳۵۲؛ ص ۴۲۳؛ مکارم شیرازی، ۲/ ۱۹؛ قرائتی، ۱/ ۳۰۳] و این شرط دفاعی بودن را می رساند. جمله "لا تعتدوا" در این آیه، به این معناست که قتال با غیر نظامیان، یعنی، زنان و کودکان و کسانی که توانایی جنگیدن را ندارند جایز نیست و اگر چنین کاری انجام شود، تجاوز محسوب می شود. [طباطبایی ۲/ ۸۷؛ جرجانی، ۱/ ۲۳۱؛ مکارم شیرازی، ۲/ ۱۹؛ مصطفوی، ۳/ ۵؛ قرائتی، ۱/ ۳۰۳] در آیه ۱۹۱ خداوند به مسلمانان دستور می دهد که علیه مشرکین مکه، کمال سخت گیری را به خرج دهید و آنان را هر کجا که برخوردید به قتل برسانید تا مجبور شوند از سرزمین و وطن خود کوچ کنند همان طور که شما را مجبور کردند که از وطن خود کوچ کنید، هر چند که رفتار آنان با شما سخت تر بود، چون رفتار آنان فتنه بود و فتنه بدتر از کشتن است، چون کشتن تنها انسان را از زندگی دنیا محروم می کند ولی فتنه مایه محرومیت از زندگی دنیا و آخرت است. [طباطبایی، ۲/ ۸۹] و مسلمانان را از جنگ در مسجد الحرام نهی می فرماید. شهید مطهری با استناد به آیه ۱۹۰ سوره بقره استدلال می کند که باید با متجاوز جنگید تا تجاوز به وجود نیاید، ایشان تاکید دارد که قرآن، جهاد را منحصر نوعی دفاع می داند (مطهری، ۳۹۰۴۵). ایشان همچنین با توجه به آیات **"والصلح خیر"** [نساء/ ۱۲۸] و **"یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان إنه لکم**

عَدُوٌّ مُّبِينٌ " (ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی به اطاعت [خدا] در آید و گامهای شیطان را دنبال مکنید که او برای شما دشمنی آشکار است) [بقره/۲۰۸] به ماهیت صلح آمیز اسلام تاکید دارد و معتقد است که صلح غیر از تسلیم است و معنای صلح را همزیستی شرافتمندانه می داند. [مطهری، ص ۱۶]

با توجه به آیات بیان شده و سخنان شهید مطهری می توان چنین استنباط کرد که اسلام، دفاع از حقوق مسلمانان را یک اصل واجب دانسته و تحمل هرنوع زورگویی و خوار شدن در مقابل دشمن را نفی می کند، گرچه اسلام دین صلح و صبوری و امنیت و آرامش است، ولی به پیروانش اجازه نمی دهد تا زیر بار هرگونه ظلم و ستمی بروند و از خود و از جامعه اسلامی شان دفاع نکنند. دفاع از دین مبین اسلام و آرمان های والای این دین، نوعی دفاع مشروع محسوب می شود که در تعریف آن گفته شده است: دفاع مشروع، وظیفه انسان در حمایت از نفس خود یا دیگری و حق او در حمایت از مال خود یا دیگری است که در برابر هر تجاوز غیر مشروع، با نیروی لازم، برای دفع تجاوز، دفاع کند. [واعظی، ص ۲۶]

یکی دیگر از آیاتی که محور بحث قرار گرفته، آیه ۳۹ سوره حج است که می فرماید: "اذنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَانَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ" (به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست.) [حج/۳۹]

علامه طباطبایی طبق جمله "یقَاتِلُونَ" که صیغه مجهول و به معنای کسانی که مورد کشتار مشرکین واقع می شوند است، فلسفه این اجازه را آغاز این عمل از سوی مشرکین می داند که آنان اصولاً خواستار جنگ و نزاعند. [طباطبایی، ۱۴/ ۵۴۳] که بیان این نظر نیز همان شرط گفته شده ذیل آیه ۹۰ سوره بقره، یعنی این که دشمن آغاز کننده جنگ باشد را می رساند. ایشان و بعضی از مفسران مانند طبرسی [مجمع البیان فی تفسیر قرآن، ج ۱۴/ ۲۱۹] حرف (باء) در جمله "بَانَهُمْ ظَلَمُوا" را بای سبب دانسته اند که همین خود، علت اذن را می رساند، که چون به مسلمانان ستم می شد، اجازه قتال به آنها داده شد که جمله "الذین اخرجوا من دیارهم بغیر حق..." چگونگی ستم شدن به مسلمانان را تفسیر می کند. علامه طباطبایی معتقد است که این آیه، مظلومیت مومنین را بیان می کند، چرا که کفار بدون هیچ گونه حق و مجوزی ایشان را از دیار و وطنشان مکه بیرون کردند، آن هم نه این طور که دستشان را بگیرند و از خانه و شهرشان بیرون کنند، بلکه آن قدر شکنجه و آزار کردند و آن قدر برای آنان صحنه سازی نمودند تا ناگزیر شدند با پای خود شهر و زندگی را رها نموده و در دیار غربت منزل کنند. صاحب مجمع البیان نیز ذیل این آیه می فرماید: روزی نبود که مسلمانی

مجروح یا دست و پا شکسته نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیاید و شکایت نکند، اما پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به آنها می فرمود: (صبر کنید، من مامور به جنگ نیستم). [مجمع البیان، ۱۴/ ۲۱۹] همین که به مدینه هجرت کردند، این آیه نازل شد و این اولین آیه ای است که درباره جنگ های اسلامی نازل شده است. [همان، ۱۴/ ۲۱۹؛ طبری، ۴/ ۲۱۲؛ قرآنی، ۸/ ۴۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴/ ۱۱۳] تمام نکاتی که بیان شد، جنبه دفاعی بودن قتال را در آیه مورد بحث نشان می دهد و این که تا چه اندازه مسلمانان در مقابل آزار و شکنجه کفار قرار گرفته و صبوری کرده بودند. نکته قابل تاملی که در آیه وجود دارد این است که هیچ گاه این امر بدون اذن الهی صورت نگرفته است. نویسنده کتاب جنگ و صلح در اسلام، در تعریف جنگ مسلمانان با غیر مسلمانان پس از ذکر شمه ای از دشواری زندگی و سختی های مسلمین در مکه و رنج و فشارهایی که دستگاه ظلم بر آنان وارد می کرد و توصیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به بردباری و آرامش، به چگونگی نزول فرمان جنگ و قیام از جانب خدا در سوره حج اشاره کرده و می نویسد که این آیات مشتمل بر تجویز جنگ است و علت آن را اذلال مسلمانان و ستمی که بر آنان می شد و تبعید و تخویف و سلب آزادی در عقیده و دیگر ستم های ایشان بیان کرده است. [شلتوت، ص ۳۱] البته، بعضی از شرایط و مقررات ممنوعه در عملیات مسلحانه جنگی ذیل جهاد از سوی فقها بر شمرده شده است که موارد مرتبط با ادله رد تروریستی بودن جهاد از لحاظ روش به صورت زیر است:

- ۱- کشتن دشمن با شکنجه، کشتن پیران، کودکان، گوشه گیران و عبادت کنندگان، کشتن زنان حتی اگر در میدان جنگ باشند، کشتن همراه با هتک حرمت
- ۲- از بین بردن ساختمان ها، ابنیه، آبادانی ها و شهرها
- ۳- کشتن افراد غیر نظامی یا افرادی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در جنگ مشارکت ندارند.
- ۴- کشتن فراریان از مهلکه و یا مجروحان
- ۵- از بین بردن حیوانات، درختان و باغ ها
- ۶- استفاده از مواد و سلاح های سمی
- ۷- کشتن افرادی که خواهان تسلیم هستند و یا امکان اسارت آنان وجود دارد [عمید زنجانی، ۵/ ۳۵۶-

[۳۵۵]

اعمال موارد ذکر شده در جهاد ممنوع بوده و دقت نظر دین اسلام را در اجرای عدالت حتی در جنگ و با ارزش بودن جان انسان ها را می رساند.

با توجه به معنای لغوی و کاربرد قرآنی و شرایط انجام قتال در آیات مربوط به جهاد و قتال، این نتیجه به دست می آید که، پس از تحمل سختی ها و مشقت ها و ستمی که به مسلمانان وارد شده بود، خداوند متعال به آنان اجازه قتال داد و از آن جا که اسلام، دینی جامع و کامل است و همه جوانب را در نظر می گیرد، این امر به قتال دارای شرایط و مبانی خاصی است. که این شرایط و مبانی بر اساس ارزش های وجودی انسان ها در نظر گرفته شده است. تمام حقوق انسان ها در نظر گرفته شده و بر اساس آن به مسلمانان اذن قتال داده شده است.

تعریف ترور:

بعد از بحث و بررسی واژه قتال و کاربرد قرآنی و شرایطی که بر اساس آن در قرآن کریم امر به قتال شده است، به بررسی واژه ترور و تروریسم و مبانی اعتقادی و رفتاری این پدیده پرداخته می شود تا بر اساس آن به تطبیق این دو امر پرداخته شود.

در مورد واژه ترور تعاریف متعددی ارائه شده است:

ترور در لغت، در زبان فرانسه، به معنای هراس و هراس افکنی است، و در سیاست به کارهای خشونت آمیز و غیر قانونی حکومت ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آنها ترور می گویند و نیز کردار مبارزی که برای رسیدن به هدف های سیاسی خود دست به کارهای خشونت آمیز و هراس انگیز می زنند، ترور نامیده می شود. [آشوری، ۹۸-۹۹] در فرهنگ جامع سیاسی نیز آمده که: ترور به معنای ترس و وحشت است و در اصطلاح عام بیشتر به قتل های سیاسی گفته می شود که البته معنای واقعی این واژه نیست. [طلوعی، ص ۳۵۶] آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی، ترور را به معنای حالت و یا احساس ترس دسته جمعی می داند که خشونت و کشتار بی حساب موجب آن است. [آلن بیرو، ص ۴۲۶] در فرهنگ علوم سیاسی، ترور به معنای وحشت و ترس زیاد است. هم چنین در معنی حزب یا جنبشی که باعث حالت ترور می شود به کار رفته است. [آقا بخشی، ص ۵۸۳]

مفهوم اصطلاحی ترور: ترور در اصطلاح، به حالت وحشت فوق العاده ای اطلاق می شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خون ریزی از سوی یک گروه، حزب و یا دولت، به منظور نیل به هدف های سیاسی، کسب و یا حفظ قدرت است. [آقا بخشی، ص ۵۸۳]

از جمع بندی تعاریف بیان شده، می توان نتیجه گرفت که ترور، به یک حالت و یک اقدام خاصی گفته می شود که این اقدام، خشونت آمیز، غافل گیرانه و همراه با رعب و ترس و ایجاد وحشت و ناامنی است که برای رسیدن به یک هدف سوء، مانند سلطه جویی، رسیدن به منافع سیاسی یا کشور گشایی و... انجام می گیرد و ممکن است این عمل توسط یک گروه، حزب و یا دولت باشد.

تعریف تروریسم:

تروریسم تعاریف متعدد و مختلفی دارد و در تعریف آن توافقی میان حکومت ها یا تحلیل گران دانشگاهی وجود ندارد، اما تقریباً به شیوه های گوناگون به تعبیری منفی به کار می رود. [مک لین، ص ۸۰۸]. بعضی معتقدند که تروریسم، اعمال ترور به صورتی منظم و سازمان یافته را می رساند. تروریسم نه فقط با استفاده از وسایلی که می تواند زندگی و امنیت افراد را مورد سوء قصد قرار دهند، صورت می یابد، بلکه از طریق تخریب خشونت آمیز خدمات عمومی و یا تجهیزات زیر بنایی متعلق به یک جمع نیز اعمال می شود. [آلن بیرو، ۴۲۶] فرهنگ خاص علوم سیاسی، تروریسم را از ریشه لاتینی (terror)، به معنای ترس و وحشت می داند که به رفتار و اعمال فرد یا گروهی اطلاق می شود که از راه ایجاد ترس و وحشت و به کار بستن زور می خواهند به هدف های سیاسی خود برسند. [علیزاده، ۲۴۷] و بعضی هم معتقدند که تروریسم به فعالیت های عاملان دولتی و غیر دولتی گفته می شود که در کوشش هایشان برای دستیابی به اهداف سیاسی از روش ها و وسایل خشونت آمیز استفاده می کنند. [پلینو، ۲۴۳]

تحلیلی از مفهوم تروریسم:

از تعاریف متعدد و مختلفی که از واژه تروریسم ارائه شد، می توان گفت که تروریسم یک برنامه مدون و سازمان یافته ای است که برای رسیدن به اهداف سوء خود از هیچ نوع اعمال خشونت و ایجاد ترس و ناامنی ای دریغ نمی کند و آن چه که در انجام این برنامه مهم است همان هدف شوم در نظر گرفته شده از سوی تروریست هاست که برای رسیدن به آن از هر وسیله ای استفاده می شود.

تاریخچه تروریسم از صدر اسلام :

ترور از زمان قبل از ظهور اسلام وجود داشت اما به دلیل اقتضای این پژوهش، این پدیده از صدر اسلام مورد بررسی قرار می گیرد.

نویسندگان و تاریخ نگاران، مصادیق عینی اعمال تروریستی و اقدام به ترور در تاریخ اسلام را از دوران نبوت و صدر اسلام دانسته اند که اعمال تروریستی در این دوره از سوی مشرکان قریش علیه پیروان دین جدید و به ویژه شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) به کار برده می شد. از جمله اقدامات آنان آزار و اذیت پیروان دین جدید از سوی غیر مسلمانان از طریق آزار و شکنجه، سرکوب و کارهای خشونت آمیز و قتل که باعث ایجاد ترس و وحشت نومسلمانان و بقیه مردم و مانع از روی آوردن دیگران به این دین و سلطه گری غیر مسلمانان و دشمنان اسلام بر آنان می شد. [آیتی، ۹۰-۹۳] این اقدام غیر مسلمانان از همان آغاز دعوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به خوبی بیانگر اسلام ستیزی و ترس از گسترش اسلام در میان مردم بود که این حرکات تروریستی خود، یعنی ایجاد رعب و ترس و وحشت را وسیله ای برای پیشبرد اهداف شوم خود انتخاب کرده بودند تا مانع از گسترش دین اسلام شده و همچنین این ترس و وحشت و احساس ناامنی را به تازه مسلمانان منتقل کنند تا شاید آن ها هم دست از دین اسلام بردارند. در بعضی کتب تاریخی آمده، یکی از اولین اقدامات برای ترور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، اقدام ابوجهل برای قتل ایشان بود. [قمی، ۵۰/۱] از اقدامات دیگر تروریستی، تلاش برای ترور پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جریان سه سال حضور ایشان و یارانش در شعب ابی طالب است که در طی این سه سال مشرکان بارها قصد داشتند تا با شیبخون زدن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ایشان را ترور کنند. [جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۰۰] از اقدامات تروریستی دیگری که علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) صورت گرفت، در تاریخ اسلام با عنوان ليله المبيت شناخته می شود. [طبری، ۳/۹۱۰-۹۱۴] اقدام تروریستی ای که در سال سیزدهم بعثت به عنوان ليله المبيت شناخته می شود، با باخبر شدن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از این توطئه و خارج شدن ایشان با ابوبکر و خوابیدن حضرت علی (علیه السلام) در بستر ایشان ناکام ماند. [یعقوبی، ۳۹۷/۱] بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در عصر خلفای راشدین، چندین ترور موفق روی داد، مانند ترور سعد بن عباد [رضوانی، ۱۵-۱۷] اولین خلیفه ای که در تاریخ اسلام ترور شد، عمر بن خطاب است که به دست ابولولو، غلام مغیره بن شعبه به قتل رسید. [طبری، ۲۰۲۶/۵] پس از قتل عمر، عثمان نیز به دست عده ای کشته شد [همان، ۶/۲۳۱۸] حضرت علی (علیه السلام) هم توسط ابن ملجم مرادی که یکی از خوارج بود، در مسجد کوفه به شهادت رسید. خوارج گروهی بودند

که پس از داوری حکمین بین حضرت علی (علیه السلام) و معاویه به وجود آمدند. [مشکور، ص ۱۸۶] پس از خوارج اولیه، خوارج بعدی معتقد بودند که پس از خلفای راشدین، زمام داران از حقیقت اسلام عدول کردند و انهدام این حکومت های جبار، حتی به وسیله ترور را بر هر فرد مسلمان از فرق خوارج واجب می دانستند. آنها تمام کسانی را که معتقد به اصول و مبادی آنها نبودند و هر کس را که مرتکب معاصی کبیره می شد، کافر می شمردند و کشتن مخالفان خود را جایز، بلکه واجب می دانستند [احسان بخش، صص ۲۷-۲۸]. پدیده ترور در عصر اموی نیز ادامه یافت که بارزترین آن ترور شخصیت حضرت علی (علیه السلام) بر سر منبرها بود. [جعفریان، تاریخ تحول دولت و خلافت، از برآمدن اسلام تا برافتادن سفیانیان، ص ۲۳۲] و بارزترین قتل های سیاسی دوران اموی و عباسی نیز، به شهادت رساندن امامان شیعه است، مانند مسموم کردن امام مجتبی (علیه السلام) توسط همسرش با زهری که معاویه فرستاده بود. [مجلسی، ص ۴۶۱] این اقدامات، موج بعدی خود را در فرقه اسماعیلیه نزاری، به رهبری حسن صباح ادامه داد. از جمله افرادی که هدف ترور اسماعیلیان قرار گرفته و کشته شدند، خواجه نظام الملک و پسرش، دو خلیفه عباسی و تعدادی دیگر از رجال دینی و سیاسی و نظامی بودند. [موتقی، ص ۳۷] در قرن اخیر نیز شاهد جنبش هایی مانند وهابیون هستیم. وهابیون به عنوان یک جنبش سیاسی - مذهبی است که از همان بدو کار خود برای رسیدن به اهداف سیاسی - مذهبی اش به خشونت های غیرقانونی و روش های تروریستی متوسل شده است. [سبحانی، ص ۳۶-۳۸] اینان پیروان محمد بن عبدالوهاب هستند، او به زعم خود در پی این بود که از طریق پیروی محض از قرآن و سنت، اسلام را از انحرافات و بدعت ها بردارد. [دکمیجان، ص ۳۱] او در رساله کشف الشبهات، متجاوز از بیست و چهار بار مسلمانان (به جز وهابیون) را مشرک خوانده است و بالغ بر بیست و پنج مرتبه، مسلمانان را کافر، بت پرست، مرتد منافق، منکر و دشمن توحید و اهل باطل خوانده و خون و مال مسلمانان را حلال و مباح دانسته است. [الامین، تاریخچه و نقد و بررسی وهابی ها، ص ۱۶۱-۱۶۳] از دیگر گروه های تروریستی در عصر حاضر، سازمان مجاهدین خلق، گروه فرقان و القاعده را می توان نام برد که القاعده و بن لادن برای رسیدن به اهداف خود به واژه جهاد تمسک جسته اند و اقدامات تروریستی خود را به نام جهاد توجیه می کنند. [مهدی بخشی، ص ۳۹] القاعده به طور گسترده ای از جهاد برای مشروعیت بخشی به اقدامات خود استفاده می کند، گاهی اوقات، ایدئولوژی القاعده را جهاد یسم می نامند. [اسپوزینو، ص ۵۳-۵۵]

مبانی اعتقادی و رفتاری تروریسم: از آنجا که هر عمل و اقدامی که برای رسیدن به هدف خاصی صورت می‌گیرد، شامل یک سری مبانی اعتقادی و رفتاری بوده و از همان مبانی اطاعت می‌کند، تروریسم نیز دارای مبانی اعتقادی خاص خود است که بعضی از این مبانی در کتب مربوطه به صورت زیر بیان شده است:

۱- بی اعتقادی به وحی، تعالیم انبیاء، ارزش‌های اخلاقی و انسانی و بی‌اعتنایی به قیامت که از دنیاطلبی و مادی‌گرایی به دلیل اعتقاد به نگرش‌های امانیستی، سکولاریستی، ماتریالیستی و انکار مرجعیت دین و اخلاق منبث می‌شود.

۲- اعتقاد به این که برای رسیدن به هدف، از هر وسیله نامشروعی می‌توان استفاده کرد، به عبارت دیگر، هدف می‌تواند به کارگیری هر وسیله‌ای را توجیه کند. اعتقاد به این اصل، راه را برای تمامی جنایات غیر انسانی و ضد بشری هموار می‌سازد.

۳- بی‌توجهی به حقوق دیگران

۴- بر محور خودخواهی و خودپرستی استوار بودن تروریسم

۵- توسعه طلبی و زیاده‌خواهی قدرت‌های سلطه‌گر. [واعظی، صص ۲۰-۲۱]

مقایسه قتال و ترور:

برای روشن شدن مفهوم قتال و ترور، و پاسخ به اتهاماتی که از سوی دشمنان اسلام، مخصوصاً غربی‌ها به جهاد به عنوان یک اقدام تروریستی وارد می‌شود، ضروری است تا مرزهای میان این دو امر مورد بررسی قرار گیرد. به همین دلیل، پس از بیان معنای لغوی، اصطلاحی، کاربرد قرآنی و شرایط قتال در قرآن و مبانی اعتقادی و رفتاری و انگیزه‌هایی که باعث انجام ترور می‌شود، به بررسی افتراقات و اشتراکات قتال و ترور پرداخته می‌شود تا بر اساس آن تفاوت‌ها و شباهت‌ها آشکار شود.

افتراقات:

۱- تفاوت در معنای لغوی:

معنای قتال در آیاتی که در قرآن کریم امر به آن شده است، همان گونه که در قسمت معنای لغوی بیان شد، جنگیدن و کشتن و از میان برداشتن دشمنانی است که شروع کننده جنگ با مسلمانان بوده اند و معنای ترور، حالت و یک اقدام خاصی است که این اقدام، خشونت آمیز، غافل گیرانه و همراه با رعب و ترس و ایجاد وحشت و ناامنی است که برای رسیدن به یک هدف سوء، مانند سلطه جویی، رسیدن به منافع سیاسی و... انجام می گیرد و ممکن است این عمل توسط یک گروه، حزب و یا دولت باشد. این دو تعریف به هیچ وجه یکسان بودن قتال و ترور را نمی رساند، چرا که قتال و جهاد و مبارزه با دشمن، نوعی دفاع در مقابل متجاوزان و حفظ دین و کشور و ارزش های اسلامی است و حالت غافل گیر کننده و ایجاد وحشت و ترس ندارد، زیرا هر کسی که به سرزمینی حمله کرده و شروع به جنگ می کند، باید منتظر دفاع آن مردم از کشور و سرزمین خود باشد.

۲- تفاوت در نوع اقدام:

با توجه به آیات قرآن، زمانی اقدام به قتال در برابر دشمنان صورت می گیرد که دشمن جنگ را آغاز کند و دست به کشتار مسلمانان بزند و مسلمانان هم وقتی که وجود دشمن و خطرات آن را در جامعه خود احساس کنند، در جهت مقابله با دشمن این کار را انجام دهند و از خود دفاع کنند، ولی اقدام تروریستی، این گونه نیست. در اقدام تروریستی، حالت دفاعی وجود ندارد و آن چه که در این اقدام دیده می شود همان حالت ناگهانی یا غافل گیرانه و حمله خشونت آمیزی است که برای رسیدن به اهدافی که قبلاً ذکر شد صورت می گیرد.

۳- تفاوت در هدف:

در جهاد و قتال، هدف، دفاع از دین و آیین و حفظ کشور و مسلمانان و گسترش دین اسلام است، در حالی که هدف از ترور، سلطه جویی و رسیدن به منافع سیاسی و... است. آنانی که وارد مبارزه با دشمنان اسلام می شوند، دارای هدفی متعالی هستند که این هدف برخاسته از آموزه های ناب اسلام و قرآن و برداشت صحیح از آن است، در صورتی که تروریست ها این هدف را دنبال نمی کنند.

۴- تفاوت در نوع اذن:

در آیاتی که امر به قتال شده است، اذن به قتال، از سوی خداوند متعال نازل شده است، در صورتی که در اقدام تروریستی، سردمداران و روسای گروهک های تروریستی دستور حمله و ترور افراد بی گناه را صادر می کنند.

۵- تفاوت در کشته شدن افراد:

در قتالی که قرآن به آن امر می کند، افرادی که کشته می شوند، افراد سپاه دشمن هستند، کسانی که به کشورهای اسلامی حمله کرده و قصد تجاوز به سرزمین های اسلامی و از بین بردن این کشورها و کشتن مسلمانان و یا ترساندن آنان را دارند تا از این طریق مانع از گسترش دین اسلام شوند، در صورتی که در یک اقدام تروریستی، یا مسلمانان کشته می شوند و یا کسانی که به نوعی در گسترش اسلام و پیشرفت تمدن اسلامی نقش دارند، مانند شهید مطهری که از دانشمندان علوم اسلامی بود و در ترویج و گسترش دین مبین اسلام نقش داشت و یا دانشمندان هسته ای که باعث رشد و پیشرفت مملکت های اسلامی می شوند. ناگفته نماند که در اقدام تروریستی، عده ای زیادی از زنان و کودکان و افراد بی گناه نیز کشته می شوند.

۶- تفاوت در نوع افراد در هر گروه:

کسانی که دست به جهاد و قتال در راه خدا می زنند، انسان های با ایمانی هستند که حاضرند در راه خدا از همه وجود خود بگذرند، آنان کسانی هستند که تلاش برای حفظ دین اسلام و سرزمین های اسلامی و دفاع از جان مسلمانان را هدفی متعالی دانسته و در راه این هدف جان خود را فدا می کنند، چنان چه خداوند متعال در مورد آنان می فرماید: "وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ" (هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.) [آل عمران/۱۶۹] اما افرادی که دست به ترور و اقدامات پست تروریستی می زنند، افرادی هستند که با برداشت نادرست خود از آموزه های اسلامی و یا بر اثر تاثیر گرفتن از دشمن، و یا تن دادن به اعمال ناشایست و ضد اسلامی دست به چنین اعمالی می زنند، اینان نه تنها از دستورات خداوند متعال سرپیچی کرده و مرتکب گناه کبیره و نابخشودنی شده اند، بلکه همیشه در اذهان عمومی نیز انسان های پست و منفوری هستند که هیچ جایگاهی در اجتماع ندارند. امام خمینی (ره) دست زدن به اقدامات تروریستی را نشانه بی عقلی و حماقت

مرتکبین آن‌ها می‌داند. ایشان معتقدند که ترور، اقدامی احمقانه و ناشی از حماقت و نهایت بی‌عقلی است. [صحیفه امام، ۱۰/ ۴۴۱]

۷- تفاوت در نوع حمله:

در جهاد و قتال، به دشمن متجاوز حمله می‌شود ولی در ترور، نه تنها به افراد بی‌گناه حمله شده و آنها را به شهادت می‌رسانند، بلکه به اراضی، خانه‌ها، ساختمان‌ها، زمین‌های کشاورزی و ... حمله می‌شود و همه آن‌ها را از بین می‌برند، در صورتی که از بین بردن اراضی، ساختمان‌ها، خانه‌ها و زمین‌ها، جزو مقررات ممنوعه در حقوق جنگ‌های اسلامی است. در ترور این حمله به صورت غافل‌گیرانه است ولی در قتال این گونه نیست.

شباهت‌ها:

میان قتالی که در آیات قرآن به آن امر شده است و پدیده تروریسم، یک شباهت وجود دارد که در خود این شباهت نیز تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود، ولی تروریست‌ها، دشمنان اسلام و کسانی می‌خواهند بر اساس این شباهت ظاهری دین صلح طلب اسلام را خشونت طلب جلوه دهند، از همین شباهت سوء استفاده کرده و به آن تمسک جسته‌اند. تنها شباهت قتال و ترور، خشونت است که در این دو اقدام وجود دارد. خشونت، عنصر اصلی و لازمه کار تروریست‌هاست، اما باید بررسی کرد که آیا خشونتی که در دفاع از دین اسلام، سرزمین اسلامی و جان و مال مسلمانان اعمال می‌شود، همان خشونت است که لازمه ترور است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که اصل دین اسلام بر مبنای عطف و مهربانی است، اما در اسلام نوعی خشونت که حالت دفاعی و بازدارندگی داشته باشد، کاملاً مشروع و قانونی است که در تعریف آن از دیدگاه اسلام گفته‌اند: خشونت مجاز، خشونت است که در جهت سعادت و کمال فرد یا جامعه بشری باشد، اعمال خشونت برای گشودن راه کمال و زدودن موانع آن، ضروری و تبدیل‌ناپذیر باشد، خشونت باید مطابق با عدالت باشد و از مرزهای آن تجاوز نکند. [شاکرین، ص ۶۴] هم چنین از موارد خشونت‌های قابل قبول و مجاز، خشونت در مقابل حق‌ستیزان و متجاوزین به حقوق مردم، خشونت بازدارنده در برابر خشونت و علیه خائنان و فتنه‌گران، خشونت برای اهداف برین انسانی و احقاق حق و خشونت در دفاع از منافع ملی و حراست از مصالح بشریت است. [رشاد، خشونت و مدارا، ص ۳۱-۴۶]

نتیجه گیری:

از بررسی و تطبیق امر به قتال در قرآن کریم و شرایط و مبانی آن با تروریسم و عمل ترور، تفاوت های زیادی میان این دو آشکار می شود و تنها یک شباهت ظاهری به جا می ماند. همه این تفاوت ها و حتی این شباهت ظاهری، نشان دهنده محکومیت ترور در دین مبین اسلام و جایگاه والای حقوق انسان در این دین مقدس است. اسلام، دین صلح و امنیت و مهربانی و عطف است و هیچ گاه انسان ها را به بی رحمی و خشونت دعوت نکرده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) همیشه پیروان خود را به صبوری در برابر توطئه های دشمن و مدارای با آن ها دعوت می کرد، اما پس از ظلم و ستم فراوانی که از جانب دشمنان اسلام بر ایشان و پیروانشان وارد شد، خداوند متعال به ایشان اذن به جهاد و قتال فرمود که این قتال، در راه حفظ دین اسلام و جان و مال مسلمانان بوده و جنبه دفاعی داشته است و به معنای عمل خشونت بار و خودخواهانه ترور نیست. واژه تروریسم هیچ جایگاهی در ادبیات اسلامی ندارد و دین مبین اسلام نیز، هیچ وقت و در هیچ جایی این عمل ناشایست را تاکید نکرده است. امر به قتال در قرآن و در فقه اسلامی دارای مبانی و شرایطی است که این شرایط اصلا با پدیده شوم تروریسم قابل انطباق نیست و معنای ترور و کشتن و هراس افکنی و ریختن خون هزاران انسان بی گناه را بر نمی تابد.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، (۱۴۰۴ق / ۱۹۸۳م)
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، سوم، (۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م)
- ۴- الامین، محسن، تاریخچه و نقد و بررسی وهابی ها، ترجمه ابراهیم سید علوی، تهران، امیر کبیر، اول، (۱۳۷۶ش / ۱۹۹۷م)
- ۵- احسان بخش، صادق، خوارج و علل پیدایش آن ها، رشت، مولف، بی جا، (۱۳۷۰ش / ۱۹۹۱م)
- ۶- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، قم، یاسین، بی جا، (۱۳۶۳ش / ۱۹۸۴م)
- ۷- اسپوزینو، جان، جنگ نامقدس ترور به نام اسلام، ترجمه ماری هجران، تهران، مرکز مطالعات فرهنگی - بین المللی، (۱۳۸۴ش / ۲۰۰۵م)
- ۸- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، سوم، (۱۳۷۳ش / ۱۹۹۴م)
- ۹- آقابخشی، علی اکبر، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، اول، (۱۳۷۹ش / ۲۰۰۰م)
- ۱۰- العطار، داود، دفاع مشروع در حقوق جزای اسلام، ترجمه اکبر غفوری، مشهد، آستان قدس رضوی، دوم، (۱۳۷۵ش / ۱۹۹۶م)
- ۱۱- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دانشگاه تهران، هفتم، (۱۳۷۸ش / ۱۹۹۹م)
- ۱۲- بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان، سوم، (۱۳۷۵ش / ۱۹۹۶م)
- ۱۳- پلینو، جک، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حسین پستا، تهران، فرهنگ معاصر، اول، (۱۳۷۵ش / ۱۹۹۶م)
- ۱۴- جرجانی، ابوالمحاسن، حسین بن حسن، جلاء الازهان و جلاء الحزان، تهران، دانشگاه تهران، اول، (۱۳۷۳ش / ۱۹۹۴م)

- ۱۵- جعفریان، رسول، *تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول خدا(ص)*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، (۱۳۷۳ش/۱۹۹۴م)
- ۱۶- -----، *تاریخ تحول دولت و خلافت*، از برآمدن اسلام تا برافتادن سفیانیان، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، دوم، (۱۳۷۳ش/۱۹۹۴م)
- ۱۷- حسینی همدانی، سید محمد حسین، *انوار درخشان*، تهران، کتاب فروشی لطفی، اول، (۱۴۰۴ق/۱۹۹۴م)
- ۱۸- دکمیجان، هرایر، *جنبش های اسلامی در جهان عرب*، ترجمهء حمید احمدی، تهران، کیهان، پنجم، (۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م)
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دارالعلم الدار الثقافیه، اول، (۱۴۱۲ق/۱۹۹۱م)
- ۲۰- رشاد، علی اکبر، *خشونت و مدارا*، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشهء معاصر، اول، (۱۳۷۹ش/۲۰۰۰م)
- ۲۱- رضوانی، علی اصغر، *پیامبر اعظم(ص) و تروریسم و خشونت طلبی*، قم، مسجد مقدس جمکران، بی چا، (۱۳۸۵ش/۲۰۰۶م)
- ۲۲- سبحانی تبریزی، جعفر، *وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی*، قم، موسسهء امام صادق(ع)، (۱۳۸۰ش/۲۰۰۱م)
- ۲۳- شاکر، حمیدرضا، *خشونت*، تهران، کانون اندیشه جوان، (۱۳۸۳ش/۲۰۰۴م)
- ۲۴- شلتوت، محمود، *جنگ و صلح در اسلام*، ترجمهء شریف رحمانی، تهران، بعثت، (۱۳۵۴ش/۱۹۷۵م)
- ۲۵- طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چهارم، (۱۳۶۲ش/۱۹۸۳م)
- ۲۶- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهء مدرسین حوزهء علمیه قم، پنجم، (۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م)

- ۲۷- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه مترجمان، تهران، فراهانی بی جا، (۱۳۶۰ش / ۱۹۸۱م)
- ۲۸- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، اول، (۱۴۱۲ق / ۱۹۹۱م)
- ۲۹- -----، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، دوم، (۱۳۶۲ش / ۱۹۸۳م)
- ۳۰- طلوعی، محمود، فرهنگ جامع سیاسی، تهران، علم، دوم، (۱۳۷۷ش / ۱۹۹۸م)
- ۳۱- عبدالباقی، محمد فواد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره، دارالحديث، (۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م)
- ۳۲- عبد الله خانی، علی، تروریسم شناسی، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، اول، مرداد (۱۳۸۶ش / ۲۰۰۷م)
- ۳۳- علیزاده، حسین، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران، روزنه، دوم، (۱۳۷۷ش / ۱۹۹۸م)
- ۳۴- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، امیر کبیر، (۱۳۷۷ش / ۱۹۹۸م)
- ۳۵- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، بی جا، دارالهجره، (۱۴۱۰ق / ۱۹۸۹م)
- ۳۶- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، یازدهم، (۱۳۸۳ش / ۲۰۰۴م)
- ۳۷- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ششم، (۱۳۷۱ش / ۱۹۹۲م)
- ۳۸- -----، احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، سوم، (۱۳۷۷ش / ۱۹۹۸م)
- ۳۹- قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، بی جا، هلال، (۱۳۷۶ش / ۱۹۹۷م)
- ۴۰- کتاب همایش، اسلام قربانی تروریسم، مجمع جهانی صلح اسلامی، اول، (۱۳۸۸ش / ۲۰۰۹م)

- ۴۱- گوستاو لوبون، تمدن اسلام و غرب، ترجمه هاشم حسینی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، (۱۳۸۵ش/۲۰۰۶م)
- ۴۲- مترجمان، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، اول، (۱۳۷۷ش/۱۹۹۸م)
- ۴۳- مجلسی، محمد باقر، تاریخ چهارده معصوم، قم، سرور، پنجم، (۱۳۷۶ش/۱۹۹۷م)
- ۴۴- مشکور، محمد جواد، فرهنگ اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، سوم، (۱۳۷۵ش/۱۹۹۶م)
- ۴۶- مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، اول، (۱۳۸۰ش/۲۰۰۱م)
- ۴۵- مطهری، مرتضی، جهاد، تهران، صدرا، نهم، (۱۳۷۵ش/۱۹۹۶م)
- ۴۶- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامی، تهران، (۱۳۷۴ش/۱۹۹۵م)
- ۴۷- مک لین، ایان، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، تهران، میزان، (۱۳۸۱ش/۲۰۰۲م)
- ۴۹- موثقی، احمد، جنبش های اسلامی معاصر، تهران، سمت، (۱۳۸۰ش/۲۰۰۱م)
- ۵۰- موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، سوم، (۱۳۷۹ش/۲۰۰۰م)
- ۵۱- نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیة، اول، (۱۳۹۸ق/۱۹۹۷م)
- ۵۲- نعمتی وروجنی، یعقوب، ترور از دیدگاه اسلام و امام خمینی(ره)، تهران، امیر کبیر، اول، (۱۳۸۸ش/۲۰۰۹م)
- ۵۳- واعظی، حسین، روش های سوء استفاده از تروریسم در مناسبات جهانی، تهران، سروش، اول، (۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م)
- ۵۴- -----، دفاع مشروع در حقوق جزای ایران، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات، (۱۳۷۹ش/۲۰۰۰م)

۵۵- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمهء محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و

فرهنگی، هفتم، (۱۳۷۴ش/۱۹۹۵م)

Comparative checking of "Murdering in Quran" with" the terrorism-Phenomenon"

Authors : 1. Dr. Maryam Haji Abdolbaqi

2. Fatemeh Jamishidi

Abstract:

The meaning of murder in the verses, in which God commands it, is killing the enemies who attack to the Muslims and oppress them and it has kind of defense aspect and is conditionally, but terrorism is a nasty and violent phenomenon with ominous goals such as aggression, intimidation and gaining the power. This phenomenon has been completely condemned by Islam. However the enemies of Islam and the people who want to impose a valid reason for their inhuman actions resorted to the verses of jihad and murder in the Holy Quran. In one side by an overview of the phenomenon of terrorism, its history and beliefs-behavior foundation and on the other side by the overview of the murder and its conditions in the Quran, by focusing on verses 190 to 192 of Surah Baqarah and verse 39 Surah Hajj ,this article is seeking to bring the differences and similarities of these two phenomenons to word and clearly answer to this question : " what is the difference between commanding to murder in Quran with terrorism phenomenon?" and by replying this question , the differences in meaning, the type of action, purpose and another important differences of them would be obvious. The method used in this research is descriptive-comparative.

Keywords: Quran, murder, defense, terror